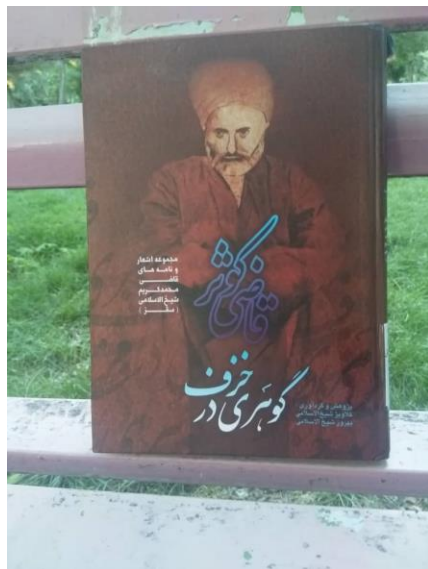


قاضی کوثر شاعر

محمد کریم شیخ الاسلامی سقز



ملقب به قاضی کوثر در سال ۱۲۶۵ هجری قمری در سقز متولد شده است. تحصیلات علوم دینی، ادب فارسی و عربی را در مساجد سقز و شهرهای اطراف تمام کرده است.

از قریحه شاعری برخوردار بوده و پیرو سبک رایج شعری دوره قاجاریه هستند.

در هنر خوشنویسی و کتابت انواع خطوط قلم و دستی توانا داشته است.

بعد از فوت پدر، حاکم شرع شهر شده و امر قضاوت را عهده دار بوده اند.

در روز دوازدهم جمادی الاخر سال ۱۳۲۸ در سن ۶۳ سالگی حیات را

بدرود گفته اند.

ساختار کتاب

بخش یکم	اشعار	الف) قصاید (۲۲ قصیده - عمدتاً مدحیه / نعت / مرثیه / مناسبت / حوادث روز) ب) غزلیات (۳۰ غزل) ج) قطعات د) مثنوی
بخش دوم	بحر طویل	با تضمین غزلی از سعدی
بخش سوم	نامه ها	۵۳ نامه به افراد مختلف / همگی بدون تاریخ و زمان کتابت) + یک متن بدون نقطه
بخش چهارم	پیوست ها	تصاویر دست نوشته ها / واژه نامه

یادداشت های من

(۱) دربارهٔ عنوان کتاب:

تهیه کنندگان کتاب، عنوان نازیبا و نه چندان خوشخوان " گوهری در خزف " را برگزیده اند که واژه هایش در یکی از ابیات قصیدهٔ مدحیه شاعر برای ناصرالدین شاه قاجار آمده است.

دریغ آیدم از شاعری خویش از آنکه **چو لؤلؤم که میان خزف بود پنهان** (ص. ۱۲۴)

(۲) دربارهٔ زبان کردی در کتاب:

در کل کتاب فقط سه مورد واژه ها و اشعار کردی را دیدم به این ترتیب:

الف) نقل یک بیت از مولوی بدون اشاره به نام شاعر:

تا فه لهک لیمان وه به هانه بو **نهر هه ر بانه بو باز شوکرانه بو** ل. ۲۵۷

ب) نقل یک مصراع از مولوی با اشاره به نام شاعر:

"جای آن است که معروض نمایم از روزی که گردش زمانه در عالم تزویر و بهانه، به وجود آن گوهر یگانه، قصبهٔ بانه را رشک خزان و سقز را بی وجودتان ویرانه ساخته است اکثر سقزی اعم از خویش و بیگانه به سان مرغ، حسرت را آشیانه و افسوس دوری را نشانه و به سان مردم دیوانه در میان کوچه و بام خانه قایل حکایت و افسانه و فریفته دام و دانه شده اند.

چنان که مولوی فرماید: **تا فه لهک لیمان وه به هانه بو (بو)** ل. ۲۹۹

ج) نقل یک مصراع از شیخ رضا طالبانی که نویسنده در خطاب به شیخ رضا در یکی از نامه هایش آورده است:

"... چنان که خودتان در مدح ایل جاف فرموده اید: « **حه یفه برزی تیغ مجه وهه ره له غیلافا** » ل. ۲۳۴

۳) دربارهٔ مثل برگزیده در کتاب:

در بخش نامه ها به مثل عربی زیبایی رسیدم که شاهکار است: "عادات السّادات، سادات العادات"

امیدوارم اینگونه باشد. اینگونه بایستی باشد و اگر می توان هزاران مصداق برای ردّ این مثل پیدا کرد و مشاهده نمود

هیچ خللی در درستی مفهوم به وجود نمی آید.

« از قدیم الایام الی کنون در عادات و آداب دنیوی به مفاد "عادات السّادات، سادات العادات" باز صاحب عزّت و

جاه و از قریهٔ سورین، ملک ایشان که تکیهٔ ادبا و منزل غرباست قلم و قدم مباشرین کوتاه بوده است. ص. ۲۵۹

۴) دربارهٔ غزل برگزیده از کتاب:

زیباترین بخش کتاب، همچون تمام دیوان های شاعران بخش غزلیات است. چرا که برای خود و اختصاص دل است.

اگر بخواهیم نمونه ای از غزلیات را انتخاب کنیم کار اندکی دشوار می نماید.

عجالتا غزل زیر (غزل شماره ۳) را بخوانید که سرشار از آرایهٔ جناس و نکات دستوری و.. است و به قولی جان می

دهد برای اندیشه ورزی و التذاذ ادبی.

غزل شماره ۳

ای در بساط عشق تو هرگز مات نیست
زین اسب و رخ، تو شاهی و اندیش مات نیست
بر من نزن صلاهی نماز از پی نیاز
کاشته ام به خون و مجال صلات نیست
گفتم مرا نجات داده و جای کن مرا
در کوی خود چو خاک، بگفتا نجات نیست
گفتم مرا ز توست حیاتا حیات است
گفتا برو بمیر که از من حیات نیست
باشد ادات معرفت من ادای تو
آوخ که مراد همه وقت این ادات نیست
گفتم مرا برات ده و رحم کنه ز نو
گفتا که رحم هست هست و لیکن برات نیست
گفتم بزن قلم پی تعویذ دد من
گفت دگر ملاف که اینجا دوات نیست
کوثر پی وفای تو نزدیک مردن است
وا حسرتا که زود پی او وفات نیست

قاضی کوثر

منبع: قاضی کوثر، گوهری در خزف، مجموعه اشعار و نامه های قاضی محمد کریم شیخ الاسلامی سقز، پژوهش و

گردآوری: و گلاویز شیخ الاسلامی - بهروز شیخ الاسلامی، آرمان نگار، ۱۳۹۵.

خودروایتگری: سال هاست که اسم قاضی کوثر را شنیده ام؛ مدرسه قاضی کوثر، خیابان قاضی کوثر، البته در شهرستان سقز. اما نمی دانستم کیست.

امروز (یکشنبه ۲۲ خرداد ۱۴۰۱) که از کتابخانه عمومی پارک شهر همین کتابی از ایشان را دیدم. با شوق کتاب را به امانت گرفتم و همانجا یعنی پارک شهر

همین شهر کتاب را خواندم و دیدم و مرور کردم تا به آخر رسیدم. یادداشت های حین مطالعه را دسته بندی کردم و شد آنچه شما ملاحظه فرمودید.